

آموزش هنر با تاکید بر مقایسه کودکان عادی و استثنایی

پروانه مهرجو^۱

۱ مربی و عضو هیئت علمی رشته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور.

چکیده

مقاله حاضر رویکردی نوین در تدریس هنر بوده و با روش توصیفی به بررسی چگونگی روند آموزش در کودکان عادی و استثنایی می پردازد. محقق در این نوشتار با تکنیک کتابخانه ای به تبیین رویکردهای بالینی، رفتارگرایان، تکاملی و هنرمندانه، اهمیت ارتباط درس هنر با دیگر دروس و نیز مقایسه نقاشی کودکان عادی و استثنایی پرداخت. در زمینه کودکان، صرفنظر از عادی و استثنایی بودن، این اتفاق نظر وجود دارد که هنر امری شخصی است. کودک باید در فعالیت هنری آزادی کامل داشته باشد تا ضمن افزایش آگاهی نسبت به محیط اطرافش به ارزش و اهمیت تشریح مساعی و همکاری با دیگران پی ببرد. نتایج بیانگر آن است که روش های آموزش هنر نه تنها از مدرسه به مدرسه بلکه از کلاس به کلاس هم متفاوت است و این نوع آموزش دارای انعطاف پذیری کاملی است. هنر اگر به درستی آموزش داده شود ضمن اینکه واجد کارکرد درمانی برای کودکان عادی و استثنایی است، سبب تقویت قوه خلاقه و ابتکار و حس استقلال در کودکان می گردد و اثر مستقیمی بر پیشرفت قدرت بیان، دستیابی به تصورات منطقی، رشد اجتماعی و گسترش تجارب ذهنی آنها دارد.

واژگان کلیدی: آموزش هنر، کودک عادی، کودک استثنایی، مربیان.